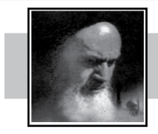

درمکتب امام

آمریکا آدم‌شدنی نیست

ما تا آخر ایستاده‌ایم و با آمریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد، مگر این که آدم بشود و از ظلم کردن دست بردارد و از آن طرف دنیا نیاید در لبنان، و نخواهد دستش را به طرف خلیج‌فارس دراز کند. مادامی که آمریکا این‌طور است و آفریقای جنوبی آن‌طور عمل می کند (حمایت از رژیم آپارتاید) و اسرائیل هست، ما با آنها نمی‌توانیم زندگی بکنیم.

صحیفه امام؛ ج۱۹؛ ص۹۵ | جماران؛ ۶ آبان ۱۳۶۳

مقاله وارده

چالش‌های حقوقی و اجرائی پیش روی ساز و کار ماشه یا اسنپ‌بک

دکتر ناصر علیدوستی شهرکی[1]

به دنبال امضای توافقنامه برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)[2] یا برنامه جامع اقدام مشترک میان دولت جمهوری اسلامی ایران و ۵ کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل و آلمان که به ۱+۵ معروف شدند از ابتدا اما و اگرهایی پیرامون به فرجام رسیدن آن وجود داشت که نهایتاً در دور اول ریاست جمهوری ترامپ در آمریکا این کشور از برجام خارج شد و پس از آن نیز کشورهای دیگر به ویژه سه کشور اروپایی نه تنها به تعهدات خود عمل ننمودند بلکه با رسیدن به سال ۲۰۲۵ زمزمه‌های فعال نمودن ساز و کار ماشه یا اسنپ بک[3] را مطرح کردند که به موجب آن ادعا می‌نمودند همه چیز به پیش از برجام برمی‌گردد ادعای ایشان با ایرادات مهم حقوقی و اجرائی مواجه است از آن جمله تعارض با قاعده حسن‌نیت و قاعده استاپل و هدف از پیش‌بینی این ساز و کار یعنی ضمانت اجرای تعهدات برجامی نه سوءاستفاده از آن.

مخالفت صریح دو کشور چین و روسیه به عنوان اعضای دائم شورای امنیت ادعای فعال‌سازی این ساز و کار، چالش اجرائی جدی را پیش روی سه کشور اروپایی مدعی اجرای ساز و کار برجام نهاد.همچنین بر فرض محال که امکان بازگشت به پیش از برجام وجود داشته باشد با توجه به قدمت قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت و پیگیری اقتصاد مقاومتی به ویژه مقابل تحریم‌های ظالمانه آمریکا چندان چالش اقتصادی جدی مقابل ملت و دولت ایران متصور نیست.

الف- چالش‌های حقوقی فراروی اجرای ساز و کار ماشه:

اکنون با نقض تعهدات برجامی توسط سه کشور اروپایی و خروج آمریکا از برجام و تبدیل شدن طرف‌های برجام به ۵ کشور از یک سو و ایفای تعهدات برجامی از سوی ایران آیا امکان اجرای ساز و کار ماشه وجود دارد یا خیر؟ به دلایل زیر امکان حقوقی برای اجرائی شدن این ساز و کار وجود ندارد:

اول: فقدان شرایط اعمال ساز و کار ماشه:

این ساز و کار در فرض وجود همه اعضا در برجام پیش‌بینی شده که اکنون یک عضو از این توافق چند جانبه خارج شده است. بنابراین اجرائی شدن این ساز و کار مشروط به شرایطی است که آن شرایط دیگر وجود ندارد. نکته جالب توجه اینکه ایالات متحده آمریکا پس از خروج از برجام ادعای اجرائی شدن ساز و کار ماشه را مطرح کرد که با مخالفت قاطع دولت‌های چین و روسیه و ایران به این ادعا وقعی نهاده نشد. اکنون نیز شرایط شباهت‌های فراوانی به آن زمان دارد، به ویژه از حیث عدم ایفای تعهدات طرف مدعی استفاده از این ساز و کار.

دوم: انحراف از هدف اصلی:

روح حاکم بر برجام موید این نکته است که ساز و کار ماشه برای جلوگیری از نقض تعهدات توسط هر طرف و به عنوان ضمانت اجرای صحیح برجام مانند هر توافق بین‌المللی پیش‌بینی شده است اکنون ساز و کار ماشه به عنوان نه پشتیبان و ضمانت اجرای تعهدات برجامی بلکه توسط طرف‌هایی که خود ناقض برجام بوده و خواسته یا ناخواسته تعهدات برجامی را ایفا نکرده‌اند در مقابل طرفی که به تعهدات خود پایبند بوده است مورد استفاده قرار می‌گیرد و به تعبیر دقیق‌تر مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد که به لحاظ حقوقی با مفاد توافقنامه برجام منافات دارد.

سوم: مخالفت اعمال ساز و کار ماشه مقابل ایران با اصل حسن‌نیت:[4]

حداقل ۴ بار در متن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به اصل حسن‌نیت و اجرای مفاد توافقنامه بر مبنای اصل حسن‌نیت تاکید شده است؛ از جمله در مقدمه برجام بند H یا (ح) همچنین بندهای ۲۶، ۲۸ و ۳۷ این توافقنامه به صراحت رعایت اصل حسن‌نیت از سوی همه طرف‌ها مورد تاکید قرار گرفته است به ویژه در بند ۲۸ می‌خوانیم؛

۲۸. گروه ۱+۵ (شامل چین، روسیه، انگلیس، فرانسه،آلمان و ایالات متحده که مورد اخیر با خروج از برجام موضوعیت ندارد) و ایران متعهد هستند که این برجام را با حسن‌نیت و در فضائی سازنده، برمبنای احترام متقابل اجرا نمایند و از هرگونه اقدام مغایر با نص، روح و نیت این برجام که اجرای موفقیت‌آمیز آن را مختل سازد، خودداری کنند. مقامات ارشد دولتی در گروه ۱+۵ و ایران تمام تلاش خود را برای اجرای موفقیت‌آمیز این برجام، از جمله در بیانات عمومی خود، به کار خواهند بست. گروه ۱+۵ کلیه اقدامات لازم را برای لغو تحریم‌ها به نحو مقتضی به عمل خواهند آورد، و از تحمیل مقررات آئین‌نامه‌ای استثنائی یا تبعیض‌آمیز و الزامات شکلی به جای تحریم‌ها و اقدامات محدودیت تحت پوشش این برجام، خودداری می‌ورزند.

این استدلال وقتی تقویت می‌شود که بارها و به صراحت توسط دو عضو برجامی که عضو دائم شورای امنیت نیز می‌باشند یعنی روسیه و چین نیز مورد تاکید واقع شده است.

چهارم: نقض قاعده استاپل[5]

منظور از قاعده استاپل در حقوق ممنوعیت استناد ادعای حق و تکلیف موضوع حقوقی می‌باشد که شخص مدعی بیانی مغایر با آن داشته است.

مثلاً درخصوص عملکرد سه کشور اروپایی یک نمونه قابل تطبیق با استاپل اینکه پس از خروج آمریکا از برجام این سه کشور خود پذیرفتند که تعهدات طرف مقابل ایران یعنی برداشته شدن تحریم محقق نشده است. از این رو به کانال مالی اینستکس به جای سوئیفت که به واسطه تحریم‌های آمریکا قطع شده بود متوسل شدند در حالی که آن هم بی‌نتیجه و نافرجام ماند. افزون بر این مورد در اسناد وزارت خارجه تعداد فراوانی از اسناد و مدارک که زمینه‌ساز استناد به استاپل هستند وجود دارد.

ب- چالش‌های اجرائی نتیجه و پیشنهاد

۱. موضوعات و اشخاص و شرکت‌هایی که در آن قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت مطرح شده بود بسیار تغییر کرده و حتی در مواردی منتفی شده‌اند.

۲. دو کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل (چین و روسیه) اعتقاد به مشروعیت اعمال ساز و کار ماشه ندارند و در ۲۴ ساعت اول ادعای فعال‌سازی این ساز و کار هر یک ۲ بار این اقدام را محکوم و مردود اعلام کردند.

۳. اقتصاد بزرگ ایران و شرکت‌های تجاری ایران همچنان که در گذشته نشان داده‌اند توان پیدا کردن جایگزین و رفع برخی موانع را به سادگی دارد.

۴. قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت مستقیماً در مورد فروش نفت ایران مقرره‌ای نداشت هر چند اتفاقاً بهتر است کشور سیاست صادرات صفر نفت خام و روی آوردن به صدور فرآورده‌های نفتی و استفاده از ارزش افزوده آن توسط شرکت‌های دانش‌بنیان مورد توجه قرار گیرد و در این دوره نیز از تحریم‌ها به عنوان یک تهدید فرصت‌های بی‌بدیل مانند فعال‌سازی شرکت‌های دانش بنیان استفاده شود.

۵. منابع مالی و ذخایر راهبردی کافی و وافی بوده و فعالان اقتصادی مطلع از این حیث نگرانی نداشته و نسبت به توانمندی مالی دولت و بانک مرکزی و ذخایر راهبردی آن اطمینان دارند.

۶. پیوست رسانه‌ای کشورهای اروپایی به ویژه دشمن صهیونیستی در اعمال ساز و کار ماشه بسیار مهم‌تر از خود ساز و کار ماشه است زیرا به خوبی می‌دانند صرف این ساز و کار برای آنها ایده‌ای در بر نخواهد داشت اما با تبلیغات دامنه‌دار در رسانه‌ها به ویژه فضای مجازی سعی در القاء ناامنی اقتصادی ناشی از این اتفاق کنند که اگر در عمل موفق به نیل به اهداف خود نشدند با اقدامات عملیات روانی و اقدامات هیجانی به برخی از اهداف خود دست یابند که البته باید هوشیاری لازم در آحاد هم‌میهنان و به ویژه فعالان اقتصادی وجود داشته باشد و با کمال اطمینان به فعالیت اقتصادی خود با همان آهنگ پیشین و با قدرت بیشتر ادامه دهند و تحت تاثیر القائات و هیجانات قرار نگیرند.

۷. تبدیل تهدید اسنپ‌بک به فرصت

تعامل بیشتر با کشورهای همسایه و کشورهای دیگر مانند آمریکای لاتین باید در دستور کار فعالان اقتصادی و به ویژه دستگاه‌های دولتی مرتبط قرار گیرد چرا که همواره کشور ما فرصت‌های اقتصادی استفاده نشده به ویژه درخصوص همسایگان و هم کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا دارد که متاسفانه مغفول مانده است.

۸. نهادهای بین‌المللی اقتصادی

ایران عضو بیش چهل پیمان اقتصادی بین‌المللی مانند بریکس، اوراسیا و شانگهای و... می‌باشد که متاسفانه از ظرفیت اقتصادی این نهادها به طور کامل استفاده نمی‌شود نکته جالب اینکه بیشتر این نهادها تحت تاثیر تحریم اعضای آنها به وجود آمده‌اند یا دست کم تعداد قابل توجهی از اعضای این نهادها پایبندی چندانی به تحریم‌ها و اقدامات یکجانبه دولت‌های غربی ندارند.

۹. معرفی ظرفیت‌های اقتصادی تجاری کشورمان مانند گردشگری و دیگر جذابیت‌های کمتر دیده شده اقتصادی به کشورها و فعالان اقتصادی کشورهای همسو.

۱۰. گسترش و حمایت از توانمندی‌های شرکت‌های دانش‌بنیان.

۱۱. اجرائی نمودن بیش از پیش سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری که در دوره تحریم‌های ظالمانه اولی و ثانویه آمریکا توانست این تحریم‌ها را به حدی بی‌اثر کند که به اقرار مقامات رسمی آمریکا امروز تحریم‌های این کشور علیه ایران اثر خود را از دست داده است.

۱۲. پی‌آمدها و آسیب‌های منفی اسنپ بک برای این سه کشور اروپایی بسیار بیشتر از چیزی است که بتواند اقتصاد و تجارت ایران را متاثر کند. بنابراین دیر یا زود این کشورها پی می‌برند که آسیب اصلی توسل به شیوه نخ‌نمای تقابل با جمهوری اسلامی ایران به ویژه از نظر اقتصادی به خود این سه کشور وارد می‌شود و ملت و دولت سربلند ایران از این آزمایش نیز مانند آزمایش‌های سخت‌تر گذشته با سربلندی بیرون خواهد آمد.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری dr.alidoosti@ujsas.ac.ir

۲- برنامه جامع اقدام مشترک (Joint Comprehensive Plan of Action – JCPOA) که در ایران به اختصار «برجام» خوانده می‌شود، توافقی بین ایران و گروه ۱+۵ (ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) است.این توافق در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ به امضا رسید و در اواخر همان سال توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در قالب قطعنامه ۲۲۳۱ رسمیت یافت. هدف اصلی برجام جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و در عوض رفع تحریم‌های بین‌المللی و فراهم آمدن امکان همکاری‌های اقتصادی بود.

۳- Snapback Mechanism

۴- Bona fides or good faith. برای مطالعه بیشتر قاعده حسن‌نیت رجوع کنید به: حقوق سرمایه‌گذاری خارجی ناصر علیدوستی شهرکی نشر خرسندی، ۱۳۹۹ ص.۲۴۳.

۵- Estoppel

کیهان بررسی کرد

عصبانیت غرب و غربگرایان از دستاوردهای ایران در شانگهای

سرویس سیاسی-

حضور رئیس‌جمهور کشورمان در اجلاس شانگهای و امضای ۲۰ سند همکاری با قدرت‌های بزرگ آسیایی، نه‌تنها معادلات خصمانه غرب علیه ایران را بر هم زد بلکه عصبانیت دنباله‌روهای داخلی غرب را نیز برانگیخت؛ جریانی که هنوز هم در توهم نسخه شکست‌خورده ارتباط با غرب به سر می‌برد، در حالی که جهان آشکارا به سمت جبهه جدید قدرت غیرغربی در حرکت است.

در روزهایی که آمریکا و متحدان اروپایی‌اش با تمام توان به دنبال فشار بر ایران و فعال‌سازی مکانیسم ماشه برای جنگ روانی و فشار روانی بر ملت ایران هستند، حضور مقتدرانه رئیس‌جمهور کشورمان در اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در چین، ورق جدیدی از دیپلماسی فعال و چندجانبه ایران را ورق زد؛ ورقی که نه‌تنها دستاوردهای اقتصادی و سیاسی چشمگیری به همراه داشت بلکه موجب آشکارتر شدن عصبانیت غرب و دنباله‌روهای داخلی آن نیز شد.

این سفر مهم، علاوه بر آنکه بستری برای امضای ۲۰ سند همکاری میان ایران و دیگر اعضای شانگهای شد، به فرصتی برای هماهنگی بیشتر کشورهای عضو در برابر اقدامات خصمانه غرب ـ به‌ویژه تلاش‌های جدید اروپا برای سوءاستفاده از سازوکار مکانیسم ماشه ـ بدل گشت. در کنار این دستاوردها، مواضع صریح رئیس‌جمهور کشورمان در محکومیت تجاوزگری رژیم صهیونیستی و اقدامات غیرقانونی آمریکا علیه ملت ایران، بار دیگر ثابت کرد که دیپلماسی انقلابی تنها زبانی است که در عرصه بین‌الملل شنیده می‌شود.

شانگهای؛ بستر اتحاد علیه سیاست‌های خصمانه غرب

سفر رئیس‌جمهور به چین و حضور فعال در اجلاس شانگهای، علاوه‌بر بعد اقتصادی، واجد یک پیام راهبردی روشن بود: اتحاد میان ایران، روسیه، چین و پاکستان (به‌عنوان عضو غیردائم شورای امنیت) علیه پروژه‌های خصمانه غرب. در سال‌های اخیر، اروپا بارها تلاش کرده از ابزار مکانیسم ماشه برای فشار به ایران استفاده کند؛ ابزاری که اساساً با ساده‌اندیشی جریان غربگرا در برجام به غرب هدیه داده شد. اما امروز، هم‌گرایی کشورهای عضو شانگهای و حتی کشورهای ناظر، وزنه‌ای در برابر این زیاده‌خواهی‌ها ایجاد کرده است.

موضع‌گیری‌های شفاف و بی‌پرده رئیس‌جمهور در این سفر در دیدار با مقامات دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، دقیقاً همان چیزی بود که رسانه‌ها و مقامات غربی را خشمگین کرد. آن‌ها که سال‌ها به دنبال مهار صدای مستقل ایران در محافل بین‌المللی بوده‌اند، حالا می‌بینند که نه‌تنها تهران در انزوا قرار نگرفته بلکه در قلب یکی از مهم‌ترین اجلاس‌های جهانی با حمایت کشورهای بزرگ و تأثیرگذار سخن می‌گوید. همین مسئله، تصویری متفاوت از ایران در عرصه جهانی به نمایش گذاشت؛ تصویری که نشان می‌دهد کشورمان به جایگاه واقعی خود در معادلات بین‌المللی رسیده است.

از همین رو، رسانه‌های ضد انقلاب و فعالان رسانه‌ای جریان مدعی اصلاحات با تیترهای عصبی و تحلیلاتی آمیخته با نگرانی تلاش کردند این واقعیت را کمرنگ کنند. آن‌ها حضور ایران در شانگهای و انعقاد اسناد همکاری را «نمادین» یا «غیرعملی» جلوه دادند، غافل از اینکه همین توافق‌ها زمینه‌ساز شراکت‌های بلندمدت در حوزه انرژی، حمل‌ونقل، امنیت غذایی و زیرساخت‌های فناورانه خواهد بود. به بیان دیگر، آنچه در شانگهای رخ داد، نقطه آغاز یک دوران جدید از همکاری‌های عملی و راهبردی بود، نه صرفاً یک نمایش دیپلماتیک.

حضور ایران در این اتحادها حتی اگر به اذعان اشتباه آنان نمادین هم باشد، باز ثمرات بیشتری نسبت به مسیر بارها تکرار شده و شکست خورده نزدیکی صرف به غرب داشته که حتی در سطح نمادین دیپلماتیک نیز منجر به پایبندی غربی‌ها به تعهداتشان نشده است.

در کنار این تحولات، باید به بُعد امنیتی و راهبردی اجلاس نیز توجه کرد. هنگامی که ایران در بالاترین سطح سیاسی، تجاوزات رژیم صهیونیستی و آمریکا را در حضور رهبران کشورهای عضو و ناظر شانگهای محکوم می‌کند، عملاً فضائی برای شکل‌گیری اجماع بین‌المللی علیه یکجانبه‌گرایی غرب فراهم می‌شود. این اتفاق در شرایطی رخ داد که غرب به‌شدت تلاش دارد تا حمایت کشورها را برای فشار بر ایران جلب کند، اما اجلاس شانگهای ثابت کرد که فضای جهانی دیگر پذیرای روایت‌های تحریف‌شده غرب نیست.

از این رو، حضور ایران در این نشست نه‌تنها به معنای افزایش مشروعیت و جایگاه کشورمان در معادلات جهانی است بلکه پیام روشنی برای دشمنان دارد: هرچه فشارها بیشتر شود، پیوندهای ایران با قدرت‌های بزرگ غیرغربی نیز عمیق‌تر خواهد شد.

اعتراف نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل به افول غرب

اینکه دنیا در حال گذار از نظم تک‌قطبی به سوی نظمی جدید است، دیگر فقط تحلیل رسانه‌های مستقل یا کشورهای غیرغربی نیست؛ بلکه نظریه‌پردازان برجسته روابط بین‌الملل در غرب نیز به این واقعیت اعتراف دارند. امروز کمتر کسی است که آمریکا و اروپا را در فاز رشد قدرت ببیند. در مقابل، روندهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی جهان به‌وضوح نشان می‌دهد که محور قدرت جهانی در حال حرکت به سوی جهان غیرغربی است.

قدرت‌یابی نهادهایی همچون بریکس و شانگهای و عقب‌افتادگی آشکار گروه جی۷ در شاخص‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی، خود بهترین شاهد این مدعاست. حتی متحدان منطقه‌ای غرب نیز دریافته‌اند که آینده در گرو نزدیکی هرچه بیشتر به محور جدید قدرت جهانی است، نه در دنباله‌روی کورکورانه از غربی که در حال افول است.

دقیقاً همین نقطه است که خشم و اضطراب غرب را دوچندان کرده است. چرا که در تحلیل‌های جدید دانشگاه‌های معتبر آمریکایی و اروپایی، به صراحت آمده است که حجم اقتصاد و تجارت اعضای بریکس و شانگهای نه‌تنها از جی۷ پیشی گرفته بلکه به‌طور بنیادین در حال تغییر قواعد بازی در تجارت جهانی، انرژی و حتی استانداردهای مالی است. دیگر نمی‌توان با دلار و یورو، همه معادلات را یک‌طرفه مدیریت کرد. استفاده نکردن از دلار در مبادلات میان اعضای بریکس و شانگهای، و کاهش سهم دلار در تجارت جهانی، ضربه‌ای مهلک به انحصار غرب وارد خواهد ساخت.

به همین دلیل است که کشورهایی مانند عربستان، امارات، ترکیه و... که تا دیروز در دایره امنیتی غرب تعریف می‌شدند ـ امروز برای نزیکی به نهادها و اتحادهای غیرغربی صف کشیده‌اند. این کشورها با همه ارتباطات دیرینه با آمریکا و اروپا، به‌خوبی فهمیده‌اند که آینده از آنِ جبهه جدید قدرت است و ماندن در معادلات جهان رو به افول غربی، نوعی خودکشی سیاسی و اقتصادی در آینده خواهد بود.

نکته مهم‌تر آن است که این روند یک واقعیت آشکار جهانی است و تنها کسانی که همچنان چشم خود را به روی آن بسته‌اند، غربگرایان داخلی‌اند. آن‌ها در حالی به بی‌ارزش جلوه دادن شانگهای و بریکس مشغولند که حتی متحدان سنتی غرب در منطقه، آینده خود را در تقویت روابط با همین جبهه قدرت غیرغربی می‌بینند. این تضاد آشکار میان فهم جهانی از تحولات و لجاجت غربگرایان داخلی، خود بهترین گواه بر جا ماندن آنان از قافله تحولات روز جهان است.

غربگرایان داخلی و تکرار اشتباهات گذشته

اما درست در چنین شرایطی که جهان در حال پوست‌اندازی از نظم آمریکامحور است، جریان غربگرای داخلی همچنان با چشم بستن بر تحولات بین‌المللی، نسخه شکست‌خورده خود یعنی «وابستگی به غرب» را تجویز می‌کند. این جریان طی چهار دهه اخیر، ساده‌ترین پاسخ را به اساسی‌ترین پرسش سیاست خارجی ایران داده است: «راه توسعه و حفظ امنیت و منافع ملی ایران چیست» و پاسخ آن‌ها همیشه یک چیز بوده: «باید به غرب نزدیک شد!»

این نسخه غلط، بارها از بروکسل و سعدآباد تا وین و لوزان و ژنو در عمل آزموده شده و نتیجه‌ای جز خسارت، تحقیر و بی‌اعتنایی غرب به همراه نداشته است. با این حال، جریان مذکور همچنان اصرار دارد جبهه قدرت غیرغربی را بی‌ارزش جلوه دهد و چشم بر واقعیت‌های جهان امروز ببندد.

این اصرار کورکورانه بر نسخه شکست‌خورده غربگرایی، تنها از یک حقیقت پرده برمی‌دارد: وابستگی ذهنی و فکری این جریان به غرب. آنان چنان در چهارچوب‌های ساخته و پرداخته واشنگتن گرفتار شده‌اند که حتی وقتی بزرگ‌ترین اندیشمندان روابط بین‌الملل به افول قدرت غرب اعتراف می‌کنند، همچنان با ژست روشنفکری و ادعای دانش و فهم مسائل بین‌المللی، نسخه پوسیده «نزدیکی به غرب و تسلیم در برابر غرب» را تکرار می‌کنند. در واقع، غربگرایان داخلی به‌جای آنکه در میدان عمل به منافع ملی بیندیشند، دغدغه اصلی‌شان اثبات درستی توهمات خود است، حتی اگر هزینه آن تحمیل تحریم‌های کمرشکن به واسطه بی‌تعهدی آمریکا و اروپا به تعهداتشان یا فرصت‌سوزی‌های تاریخی برای کشور باشد.

این در حالی است که تجربه‌های عینی ایران -از برجام گرفته تا ده‌ها مورد بدعهدی اروپا و آمریکا- بارها نشان داده که این مسیر به هیچ سرمنزل مقصودی ختم نمی‌شود. با وجود این، جریان مذکور نه‌تنها حاضر به پذیرش خطاهای گذشته نیست بلکه با تحریف واقعیت‌ها می‌کوشد همچنان جامعه را به سمت همان سراب همیشگی سوق دهد. اینجاست که عصبانیت آنان از دستاوردهای اخیر ایران در شانگهای معنا پیدا می‌کند: هر موفقیت ایران در مسیر غیرغربی، سندی است بر بی‌اعتباری و بطلان راهی که آنان طی ده‌ها تبلیغ کرده‌اند.

روزنامه‌های زنجیره‌ای و تکرار یک توهم

در روزهای اخیر نیز، روزنامه‌های زنجیره‌ای همچون هم‌میهن و سازندگی بار دیگر با تیترهای عجیب و تامل برانگیز مانند «در شرق خبری هست؟» و «ماشه؛ تهدید شانگهای» تلاش کردند واقعیت‌های جدید جهان را تحریف کنند. نویسندگان این روزنامه‌ها که گویا همچنان در فضای دهه ۹۰ میلادی و دوران جهان تک‌قطبی پس از جنگ سرد سیر می‌کنند، سعی دارند نشان دهند که حتی قدرت‌یابی نهادهایی چون شانگهای نیز نمی‌تواند جایگزین ارتباط با غرب شود!

این همان خطای همیشگی است: بی‌اعتنایی به تحولات واقعی جهان و چسبیدن به نسخه‌های کهنه‌ای که حتی آمریکا و اروپا نیز دیگر به کارایی آن‌ها اعتراف ندارند.

شاهکار خسارت‌بار برجام و ساده‌لوحی غربگرایان

برای یادآوری کافی است به شاهکار خسارت‌بار برجام بنگریم. جریان غربگرا در آن توافق، با ساده‌اندیشی تمام، حتی سازوکار خطرناک «وتوی معکوس مکانیسم ماشه» را پذیرفت؛ سازوکاری که نه‌تنها هیچ پشتوانه‌ای در حقوق بین‌الملل نداشت، بلکه به ابزاری یک‌طرفه در دست غرب علیه ایران بدل شد.

جالب آنکه در همان زمان، چین و روسیه صراحتاً با این سازوکار مخالف بودند و نسبت به پیامدهای آن هشدار می‌دادند، اما تیم غربگرای داخلی برای نمایش «حسن نیت» خود به غرب، این بند خطرناک را پذیرفت! همچنین در موضوع تمدید تحریم‌های تسلیحاتی نیز همین جریان، برخلاف منافع ملی، کوتاه آمد تا شاید غربی‌ها اندکی از خصومت خود بکاهند؛ غافل از اینکه غرب، همان‌طور که تاریخ بارها ثابت کرده، هرگز به تعهداتش پایبند نیست.

اتفاقاً همین نقطه، امروز به یکی از اصلی‌ترین ابزارهای فشار اروپا بدل شده است. همان مکانیسم ماشه‌ای که با ساده‌اندیشی غربگرایان وارد متن برجام شد، حالا به ابزاری برای گروکشی سیاسی علیه ایران تبدیل شده است. اروپایی‌ها به‌خوبی می‌دانند که این مکانیسم نه بر اساس منطق حقوق بین‌الملل بلکه صرفاً با فشار سیاسی در برجام گنجانده شد و از همین رو، با وقاحت تمام آن را علیه ایران فعال می‌کنند. در واقع، غربی‌ها هیچ‌گاه به وعده‌های خود مبنی بر لغو تحریم‌ها یا گشایش اقتصادی عمل نکردند، اما همان بندهای خسارت‌بار برجام را به ابزار دائمی فشار علیه ایران بدل ساختند.

این تجربه تلخ نشان داد که اعتماد به غرب، نه‌تنها دستاوردی برای ایران ندارد بلکه خسارت‌های ماندگار به همراه خواهد داشت. وقتی روسیه در همان روزهای نخست نسبت به پذیرش چنین مکانیسم خطرناکی هشدار می‌دادند، جریان غربگرا در داخل با شعار «تعامل سازنده با جهان» همه این نگرانی‌ها را نادیده گرفت. نتیجه آن شد که امروز غرب هر زمان اراده کند، از این مکانیسم به‌عنوان تهدید و شمشیر آویزان بر سر ایران استفاده می‌کند؛ در حالی که طرف ایرانی، به دلیل امضای قبول نگارش ساده‌اندیشانه این توافق، در موقعیت دشواری قرار گرفته است. این همان میراث شومی است که غربگرایان برای ملت بر جای گذاشتند و حالا به جای پاسخگویی، تلاش می‌کنند مسیر جایگزین را که همان همگرایی با جبهه غیرغربی است بی‌ارزش جلوه دهند.

واقعیت‌های جدید جهان و نسخه فرسوده غربگرایی

امروز حتی برجسته‌ترین اساتید روابط بین‌الملل در جهان اذعان می‌کنند که نزاع اصلی آینده میان «جبهه جدید قدرت غیرغربی» و غرب خواهد بود. در چنین شرایطی، آیا عقلانی است که سیاست خارجی ایران همچنان بر پایه نسخه فرسوده غربگرایی بنا شود؟

بلوک جی۷ در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی و فناورانه از بریکس و شانگهای عقب افتاده است. حجم اقتصاد و زیرساخت‌های انرژی و حتی نفوذ سیاسی کشورهای غیرغربی به‌طور روزافزون در حال سبقت گرفتن از غرب است. در این میان، غربگرایان داخلی همچنان چشم بر این واقعیت‌ها بسته و تنها راه‌حل را در «ارتباط با غرب» می‌بینند؛ ارتباطی که به قیمت از دست رفتن فرصت‌های تاریخی در جهان غیرغربی تمام می‌شود.

شانگهای و بریکس؛ نماد پایان یک دوران

اجلاس اخیر شانگهای نه‌تنها برای ایران بلکه برای کل جهان غیرغربی یک پیام روشن داشت: دوران سلطه بی‌چون‌وچرای غرب بر نظام بین‌الملل به سر آمده است. غرب اگر تا دیروز می‌توانست با تحریم و فشار یکجانبه کشورها را وادار به تسلیم کند، امروز در برابر اتحاد فزاینده شرق و جنوب جهانی، ابزارهایش کارایی گذشته را از دست داده است.

برای ایران، این اجلاس فرصتی بود تا نه‌تنها دستاوردهای اقتصادی نظیر ۲۰ سند همکاری را به ارمغان آورد، بلکه از آن مهم‌تر، در قالب دیپلماسی چندجانبه، حمایت و همراهی کشورهای قدرتمندی چون چین و روسیه و حتی پاکستان را در برابر پروژه‌های خصمانه غرب جلب کند.

فرصت‌های جهان غیرغربی را دریابیم

اکنون پرسش اصلی این است: آیا وقت آن نرسیده که جریان غربگرا از خواب بیدار شود و به‌جای نسخه فرسوده «ارتباط با غرب» به هر قیمت، نگاه خود را متوجه فرصت‌های بی‌نظیر در جهان غیرغربی کند؟

دنیا دیگر دنیای گذشته نیست. قدرت آمریکا و اروپا نسبت به دهه‌های پایانی جنگ سرد و دوران تک قطبی پس از جنگ سرد رو به افول است و جبهه جدیدی از قدرت جهانی در حال شکل‌گیری است که ایران می‌تواند در آن قرار گیرد. فرصت‌های اقتصادی، فناورانه و امنیتی که در بسترهایی چون شانگهای و بریکس نهفته است، بسیار فراتر از آن چیزی است که غربگرایان می‌خواهند وانمود کنند.

ایران امروز با تکیه بر دیپلماسی فعال، توانسته نه‌تنها در برابر فشارهای غرب بایستد بلکه جبهه‌ای از هم‌پیمانان قدرتمند را نیز در کنار خود داشته باشد. عصبانیت غرب و غربگرایان از این دستاوردها بهترین گواه بر درستی این مسیر است.

قالیباف: تصمیم نظام در قبال مکانیسم ماشه به زودی اعلام و اعمال می‌شود

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: به‌زودی تصمیم واحد ایران در پاسخ به اقدام غرب درباره مکانیسم ماشه اعمال می‌شود.

محمدباقر قالیباف، رئیس‌مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز سه‌شنبه (۱۱ شهریورماه) مجلس شورای اسلامی طی نطق پیش از دستور خود اظهار داشت: روشن است که سه کشور اروپایی به دلیل عمل نکردن به تعهدات خود در برجام، حق فعال کردن مکانیسم پاراگراف ۳۷ برجام را نداشته و به همین جهت به شکلی غیرقانونی فرآیند بازگرداندن قطعنامه‌ها را آغاز کرده‌اند، بر این اساس لازم است که ایران اقدامی بازدارنده برای هزینه‌مند کردن این اقدام غیرقانونی طرف‌های اروپایی انجام دهد تا منجر به تغییر تصمیم دشمن در فعال کردن مکانیسم ماشه شود؛ تصمیم واحد نظام جمهوری اسلامی در این زمینه به زودی اعلام و اعمال می‌شود.

نامه ۱۷۰ نماینده به وزیر ارشاد درباره عملکرد مخرب نادره رضایی

علاوه بر اخبار بالا، بیش از ۱۷۰ نماینده مجلس در نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتقاد از عملکرد معاون هنری این وزارتخانه تاکید کردند: متاسفانه عدم برخورد بازدارنده از سمت شما باعث شده است که این افراد به اقدامات مخرب جری‌تر شوند که از شاخصین این افراد نادره رضایی معاون هنری وزارت ارشاد می‌باشد.

متن نامه بیش از ۱۷۰ نماینده مجلس شورای اسلامی به صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بدین شرح است:

جناب آقای صالحی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی سلام علیکم احتراماً ضمن سپاس از تلاش‌های جنابعالی، حسب ضرورت تعامل هرچه بهتر با آن با وزارتخانه در راستای ارتقای شاخص‌های فرهنگی احکام برنامه هفتم و برنامه‌های پیشنهادی جنابعالی در روز اخذ رای اعتماد و نظر به اعلام وصول سؤالات متعدد نمایندگان مجلس در کمیسیون فرهنگی درخصوص عملکرد آن وزارتخانه و تشکیل جلسات متعدد با حضور جنابعالی و معاون هنری آن وزارتخانه، علی رغم دریافت کارت زرد از نمایندگان محترم مجلس به علت عملکرد نامناسب معاونت هنری، پیشرفتی در موارد نظارتی مطروحه در کمیسیون حاصل نگردید. با نظر به توجهات مقام معظم رهبری(مدظله العالی) نسبت به شخص شما در بدو ورود به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با توجه به تهدیدات متصور از سمت دشمن مبنی بر استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی برای ضربه زدن به وحدت و انسجام و یکپارچگی ملت شریف ایران لازم می‌دانیم به شما بار دیگر این نکات را خاطر نشان شویم که فارغ از دیدگاه‌های مثبت جنابعالی در حوزه فرهنگ و هنر، متاسفانه در بین معاونین جنابعالی برخی افراد سکان‌دار هدایت مجمع‌های فرهنگی و هنری شده‌اند که اقدامات آنان باعث جریحه‌دار شدن عواطف دلسوزان اهل هنر با سلیقه‌های سیاسی متفاوت شده است.

مصادیق این دست اقدامات در جلسات خصوصی و عمومی به حضورتان ارائه شده است اما متاسفانه با گذشت زمان نه تنها اصلاحی در این روند دیده نمی‌شود بلکه عدم برخورد بازدارنده از سمت شما باعث شده است که این افراد به اقدامات مخرب خود که باعث برهم‌زنندگی ساختار فرهنگی هنری و وفاق ملی جری‌تر شوند که از شاخصین این افراد خانم نادره رضایی معاون هنری وزارت ارشاد می‌باشد.

لذا در این برهه حساس ما نمایندگان مجلس بار دیگر در قالب این نامه سرگشاده و برای اطلاع عموم مردم شریف و با نگاهی دلسوزانه به جنابعالی خواستار این هستیم در اسرع وقت نسبت به اصلاح روندهای مخرب بر آن وزارتخانه اقدامات لازم را مبذول فرمائید.

در جلسه غیرعلنی مجلس درباره موضوع مکانیسم ماشه چه گذشت؟

خبر دیگر اینکه، عباس گودرزی، سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی در جمع خبرنگاران در تشریح جلسه غیرعلنی امروز مجلس شورای اسلامی درباره موضوع مکانیسم ماشه، اظهار کرد: با توجه به شرایطی که در کشور، منطقه و فضای بین‌الملل وجود دارد و با عنایت به اهتمام رئیس و نمایند